

سرانجام مقصرین آستانه در واقعه به توپ بستن حرم رضوی بر پایه اسناد (۱۳۳۰ ق)

محمد رضا قصابیان

مقدمه

در اواخر دوره قاجاریه به دلیل ضعف حاکمیت دولت مرکزی، ایران صحنه درگیری‌های دو کشور روس و انگلیس بود و آنها برای حفظ منافع استعماری خود و در رقابت با یکدیگر، به مداخله در امور داخلی ایران می‌پرداختند.

پس از انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۲۴ق./۱۲۸۵ش) برای مدت کوتاهی نفوذ روس‌ها در ایران کاهش یافت، اما با برقراری استبداد صغیر، سیاست انگلیسی‌ها در ایران موقتاً تعطیل گردید و روس‌ها برای مدتی، یکه‌تاز میدان سیاست ایران شدند. در این دوران تلاش انگلیس‌ها برای سلطه مجدد شدت یافت و با شروع مبارزات مردمی ضد استبداد صغیر، فرصت تازه‌ای برای آنان فراهم آمد.^۱

پس از فتح تهران و خلع محمد علیشاه (۱۳۲۷ق.)، روس‌ها، که از گسترش روزافزون قدرت انگلیسی‌ها در ایران، به ویژه مناطق تحت نفوذ خود بیمناک شده بودند، در مخالفت با معاهده شوستر آمریکایی^۲ و به بهانه حمایت از منافع روسیه، از ۱۳۲۷ ق تا ۱۳۳۰ دائماً بر تعداد نیروهای نظامی خود در مشهد افزوده^۳، به

۱. صدرالمآلهین لاهیجانی، تاریخ و جغرافیای مشهد، تصحیح محمد رضا قصابیان، مشهد، انصار، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸.
۲. دیب هروی، محمد حسین، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۳۱، ۱۷۷/۲ و ۱۴۸.
۳. کتاب نارنجی، (گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه)، تهران، نشر نور، ۱۳۶۶ ش، ۱۱۸/۲؛ کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس...).

مداخله جدی در امور ایالت پرداختند.

ناآرامی‌های مشهد در پی فروپاشی استبداد صغیر افزایش یافت و با رهبری دو تن از عوامل وابسته به انگلیس و روس، این ناآرامی‌ها مبدل به هرج و مرج گردیده، زمینه را برای ایجاد اغتشاشی عظیم فراهم ساخت.^۱ در آن شرایط بحرانی و در زمانی که دولت مرکزی و والی خراسان از اداره امور عاجز شده بودند، روس‌ها به بهانه ایجاد نظم و امنیت و به بهانه سرکوبی شورشیان متحصن در اماکن متبرکه، حرم رضوی را به توپ بستند و به تصرف درآوردند.^۲

در این واقعه خونبار عده زیادی کشته، مجروح و اسیر شدند، اما سران شورش با حمایت روس‌ها و انگلیس‌ها از مهلکه گریخته، متواری شدند. در این مقاله ضمن اشاره مختصر به چگونگی این موضوع، سرانجام مقصرین آستانه، برپایه اسناد، بررسی خواهد شد.

نگاهی به واقعه تهاجم روسیه به حرم رضوی

اوضاع مشهد که هم چون شهرهای بزرگ ایران در سال‌های مشروطه ناآرام شده بود، در دهه سوم ۱۳۲۷ ق با بروز رویدادهای پس از فتح تهران و مداخلات روس‌ها و تحریکات انگلیسی‌ها بحرانی گردیده، دامنه اعتراضات گسترش یافت و زمینه برای درگیری‌های بیشتر میان نیروهای حکومتی و معترضین فراهم گردید. با ورود نیروهای نظامی روسیه در ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۷، ناآرامی‌ها افزایش یافت.^۳ با انتشار شایعه بازگشت محمدعلیشاه به ایران و خبر حرکت سپاه سالارالدوله، برادر شاه مخلوع از همدان به تهران^۴ و اولیتامتوم روسیه به ایران در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ ق، فعالیت مخالفان مشروطه در مشهد شدت بیشتری یافت و دامنه اعتراضات و درگیری‌ها بالا گرفت.^۵ با ورود نیروهای نظامی جدید روسیه به مشهد در اوایل محرم ۱۳۳۰ ق. بر خشم و عصبانیت عمومی افزوده شد و هرج و مرج و ناامنی گسترش بیشتری یافته، بحران مشهد به اوج انفجار نزدیک شد.^۶

در این شرایط خاص، انگلیسی‌ها با استفاده از فرصت، طالب الحق یزیدی را که از مخالفان مشروطه و عمال وابسته به خودشان بود، در مشهد به عنوان رهبر مخالفان مشروطه وارد میدان کرده، با حمایت

۱. «ریشه‌های یک تهاجم در خراسان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۳ و ۴، ۳۸۱.
۲. ادیب هروی، محمد حسین، حدیقه الرضویه، مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۲۷ ش، ۱/۱۹۷؛ ادیب هروی، محمد حسین، تاریخ انقلاب طوس، چاپ سنگی، نسخه مشهد، ۱۳۳۹ ق، ص ۳۶۸؛ روس و انگلیس در ایران، ص ۶۴۰؛ مجله الکمال، ش ۵، ۲۰.
۳. کتاب آبی، ۴۴۷/۲ و ۵۶۶/۳ و ۶۰۰ و ۶۴۷؛ کتاب نارنجی، ۱۹۴/۲.
۴. حدیقه الرضویه، ۲/۱۹۴؛ سند شماره ۹۵۷۲/۳.
۵. کاظم زاده، فیروزه، روس و انگلیس در ایران، ترجمه امیری، شرکت سهامی کتاب جیبی، ۱۳۴۹ ش، ۶۳۳.
۶. حبل المتین، س ۱۹، ش ۳۸، ص ۲۱؛ براون، ادوارد، انقلاب ایران، ترجمه دانش پژوه، تهران، معرفت، ۱۳۲۹ ش، ۲۵۸؛ سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه فخرایی گیلانی، ناشر کتب ایران، ۶۵۵/۲.

پنهانی از او، به تحریک احساسات دینی مردم ضد روس‌ها پرداختند.^۱ روسها نیز برای تسلط بیشتر بر اوضاع، یوسف‌خان هراتی، دومین فرد از سران شورش را که از مخالفان سرسخت مشروطه به شمار می‌آمد، مورد حمایت پنهانی خود قرار دادند.^۲

با ورود محمد قوش آبادی نیشابوری و بیست تن از یارانش از گناباد به مشهد و پیوستن او به گروه یوسف‌خان هراتی، اوضاع مشهد وخیم‌تر شد^۳ و آنان پس از اتحاد با نیروهای طالب الحق، متفقاً مشروطه را کفر محسوب داشته، با تشکیل مجالس در شهر مشهد، مردم را به طرفداری از محمد علی‌شاه دعوت می‌کردند.^۴

با وسعت یافتن اعتراضات، هر دو دسته از شورشیان با طرفداران خود به طرف حرم رضوی حرکت نمودند و دار و دسته طالب الحق و نایب علی اکبر خان و دیگر همراهان در مسجد گوهرشاد و صحن کهنه مستقر شدند. نیروهای یوسف‌خان هراتی، محمد نیشابوری، اسماعیل ترشیزی و طرفداران آنها در صحن نو و اطراف آن جای گرفتند و پس از تصرف حرم رضوی، به تعرض به مردم و غارت اموال آنان و آستانه پرداختند.^۵ صاحب منصبان سفارتخانه روس و انگلیس، پنهانی از یوسف‌خان هراتی و طالب‌الحق حمایت می‌کردند، اما به ظاهر برای رفع ناامنی‌ها به حکمران خراسان و بزرگان مشهد شکایت نموده، برای برقراری امنیت، آنان را تحت فشار قرار می‌دادند.^۶ وضعیت بحرانی و هراس‌انگیزی در مشهد ایجاد شده بود و وجود چندین کانون قدرت در شهر و عدم توانایی حکمران خراسان و بزرگان شهر و دولت مرکزی در ایجاد نظم در شهر مشهد (۱۴)، زمینه را برای آشوب و فتنه‌ای بزرگ فراهم ساخته بود.

در این شرایط، چون از طرف حکومت و علماء و بزرگان شهر برای رفع اغتشاشات و هرج و مرج و برقراری امنیت، اقدامی جدی صورت نمی‌گرفت، بهانه برای دخالت جدی روسیه مهیا گردید و در پی کشته شدن نایب حبیب کمسیر سابق نظمیه مشهد، ماژور خارانف به این سمت منصوب گردید^۷ پس از افزایش ناامنی‌ها در مشهد، پاکلوسکی سفیر روس در ایران از کنیاز دابیژا، سرکنسول روس در مشهد خواست تا به ناامنی‌ها در شهر خاتمه دهد^۸ و دابیژا نیز در ۴ ربیع‌الآخر ۱۳۳۰، ژنرال ردکو را به فرماندهی چهارصد

۱. ریشه‌های یک تهاجم در خراسان، ص ۳۸۲؛ انقلاب طوس (۱۳۸۸)، ص ۸۵.

۲. خان ملک، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، سانسائی، تهران، بابک، ۱۳۵۴، ۶۸ و ۶۹، اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران، ۱۰۱ و ۱۹۸.

۳. روس و انگلیس در ایران، ۶۳۷؛ انقلاب طوس (۱۳۸۸)، ص ۹۸ و ۹۹.

۴. کتاب آبی، ۱۶۱۶/۷؛ انقلاب طوس (۱۳۸۸)، ص ۸۵ و ۸۶.

۵. روس و انگلیس در ایران، ص ۳۶۹، کاویانیان، احتشام، شمس‌الشموس، مشهد، بی‌جا، ۱۳۵۴، ش، ص ۲۷۷.

۶. رابینو، مشروطه گیلان به انضمام وقایع مشهد، به کوشش محمد روشن، چاپخانه حیدری، ۱۳۵۲، ش، ص ۱۲۷ و ۱۲۸؛ شمس‌الشموس، ص ۸۱.

۷. ادیب هروی، محمد حسن، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۲۷، ص ۳۶۳، مشروطه گیلان، ص ۱۳۴؛ سندش ۹۵۷۲/۲، سازمان اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

۸. روس و انگلیس در ایران، ص ۶۳۸ و ۶۳۹.

نفر از پیاده نظام قوای روس، وارد مشهد نمود تا با تکیه بر قوه قهریه و اقدام نظامی، شورشیان مشهد را سرکوب نماید.^۱

پس از آنکه وساطت‌ها به نتیجه نرسید و شورشیان حاضر به تبعیت نشدند، ژنرال ردکو در صدد برآمد تا آنان را وادار به ترک آستانه نماید و نیروهای نظامی تحت فرمان او در دهم ربیع‌الآخر ۱۳۳۰ ق، حرم را محاصره کردند و نیروهای طالب الحق و یوسفخان هراتی نیز متقابلاً در بخش‌های مختلف حرم رضوی سنگر بندی نموده، آماده دفاع شدند.^۲

سرانجام پس از پایان یافتن ضرب الاجل تعیین شده و در دو ساعت مانده به غروب روز شنبه ۱۰ ربیع‌الآخر ۱۳۳۰ ق، نیروهای روسیه پس از شلیک ۳۴۷ گلوله توپ شربل به گنبد و بارگاه، سواره و پیاده به داخل اماکن متبرکه هجوم آورده، مردم را به گلوله بستند و آنجا را به تصرف درآوردند.^۳ حرم رضوی به مدت چهار روز در تصرف روس‌ها بود^۴ تعداد زیادی از مردم در این واقعه کشته شدند و اینینه زیادی از حرم رضوی و منازل و بناهای اطراف در شهر مشهد تخریب و اموال و اشیاء قیمتی زیادی از حرم رضوی به غارت رفت^۵ احساسات مردم مسلمان نیز جریحه‌دار گردید.^۶

سرانجام رهبران شورش مشهد در تهاجم روسیه به حرم رضوی

در این واقعه خونبار، تعداد زیادی از مردم کشته و بسیاری مجروح و اسیر شدند که اغلب آنها از مردم

۱. ریشه‌های یک تهاجم در خراسان، ص ۳۸۴؛ انقلاب طوس (۱۳۸۸)، ص ۸۴

۲. کتابی آبی، ۸/۱۷۶۵؛ روس و انگلیس در ایران، ص ۶۴۰.

۳. حیل‌المتین، س ۱۹ ش ۴۲، ۴؛ حدیقه الرضویه، ۱۹۷/۱؛ ملاهاشم خراسانی، منتخب‌التواریخ، ص ۸۰۸؛ روس و انگلیس در ایران، ص ۶۴۰.

۴. روس و انگلیس در ایران، ص ۶۴۰؛ تاریخ انقلاب طوس، ۳۶۸؛ حیل‌المتین، س ۱۹ ش ۴۲ و ۴؛ مجله‌الکمال، ش ۵، ص ۲۰؛ حدیقه الرضویه، ۲۱۲/۱، سند ش ۹۵۷۲/۲.

۵. کرزن، جرج، ایران و مسئله ایران، ترجمه جواهر الکلام، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۷ ش، ۱۴۲؛ شمس‌الشموس، ص ۸۷؛ دست‌پنهان انگلیس در ایران، ص ۷۰؛ مشروطه‌گیلان، ص ۱۳۸؛ انقلاب طوس، ص ۱۱۹.

۶. منتخب‌التواریخ، ۸۱۰؛ حدیقه الرضویه، ۱/۲۱۳.

۷. در سندی به تاریخ ۱۳۳۷ ق، میزان خسارت وارده به آستان قدس و املاک آستانه مقدسه در جریان بمباران حرم رضوی، (۱۶۸۵۰۰۰ تومان - ۳ کرور و صدو هشتاد و پنج تومان - ۷۴۵ هزار تومان) برآورده شده است که به تفکیک، بعضی از ارقام مهم آن عبارتند از: خرابی عمارت و صحنین و گنبد ۲۵۰ هزار تومان، اشیاء قیمتی آستانه ۲۰۰ هزار تومان و الخ. رک: نشریه فرهنگی و اطلاع‌رسانی دانشورز، سازمان کتابخانه‌ها، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، س ۱۱، ش ۷۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۰؛ ادیب‌هروی مبلغ خسارت را یک صد و پنج هزار تومان نوشته است. رک: (انقلاب طوس (۱۳۸۸)، ص ۱۳۲.

۸. حدیقه الرضویه ۲۲۷/۱؛ دست‌پنهان انگلیس در ایران، ص ۱۶۴؛ مشروطه‌گیلان، ص ۱۴۳؛ حیل‌المتین، س ۱۹، ش ۴۲، ص ۸؛ سندش ۹۵۷۲/۲.

عادی بودند،^۱ اما عاملان اصلی این اغتشاش، اعم از سران آنها، از قبیل محمد یوسفخان هراتی، طالب الحق، محمد قوشی‌آبادی نیشابوری و طرفداران و متحدان آنان، به کمک روس‌ها و با شروع درگیری در تاریکی شب و از راه مخفی که به آنها اطلاع داده شده بود، متواری شدند.^۲ به اختصار، به سرانجام مهم‌ترین آنان اشاره خواهیم کرد.

محمد یوسفخان هراتی: پسر محمد حسن خان بن محمد اکبر خان بن محمد اسماعیل خان عسگر افغان است.^۳ (۳۰) او در شرح حال خود در *بحرالفوائد* نسبی را با چند واسطه به حیات سلطان، مشهور به فیروزخان پادشاه ابدالی رسانده است.^۴ اما رابینو، یوسفخان را از شیادان افغان می‌داند که خبرنگار و وظیفه‌خوار روس‌ها و پدرش از بقالان هرات و معروف به حسن گربه بوده است.^۵

محمد یوسفخان در ۱۳۰۲ همراه پدرش به ایران آمد^۶ و به تحصیل پرداخت. در ۱۳۰۹ ق هنگام ورود مؤیدالدوله به مشهد، مورد توجه امیرحسین خان شجاع‌الدوله، حکمران قوچان قرار گرفت و در دستگاه شجاع‌الدوله دوم همکاری داشت. بعد از مرگ امیرحسین خان در ۱۳۱۱ ق به مشهد بازگشت و ارتباطاتی با سفارتخانه‌های روس و انگلیس داشت؛ سرانجام به سفارتخانه روس راه پیدا کرد و مورد توجه ژنرال ولاس اف قرار گرفت. چون تحت تعقیب بود، به سفارت روس پناهنده شد.^۷ او ظاهراً از این امر خشنود است، چنان که در *بحرالفوائد* در شرح حال خویش، خدای را حمد می‌کند که آقا و مولایش خسرو طوس و مدد معاش او دولت روس است.^۸

به نوشته ادیب هروی، یوسفخان هراتی از طرف سفارتخانه روس از آن پس به روسیه فرستاده می‌شود^۹ و پس از گذراندن دوره آموزشی یک ماهه، به مشهد باز می‌گردد و به عنوان یکی از مخالفان سرسخت مشروطه و تحت حمایت روس‌ها، رهبری شورشیان را بر عهده می‌گیرد.^{۱۰}

یوسفخان هراتی پس از ورود به مشهد تحت حمایت پنهانی روس‌ها و به بهانه حمایت از محمد علیشاه مخلوع، زمینه را برای تجمع شورشیان و هرج و مرج در شهر فراهم ساخت و نمایندگان روسیه نیز به ظاهر،

۱. طاهری، ابوالقاسم، *جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان*، تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۴.

۲. *شمس‌الشموس*، ص ۸۲؛ *بدر فروزان*، ص ۲۳۲.

۳. یوسفخان هراتی، محمد، *بحر الفوائد*، کتاب اول (بیان الواقعة)، ص ۸.

۴. همان.

۵. رابینو، مشروطه‌گیلان، ص ۱۳۵.

۶. *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، ادیب هروی، ص ۳۱۷.

۷. *بحرالفوائد*، ص ۱۵.

۸. همان.

۹. ادیب هروی، *تاریخ پیدایش مشروطیت ایران*، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۱۰. همان، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

نامنی مشهد را بهانه قرار داده، حکمران خراسان را برای ایجاد امنیت، تحت فشار گذاشتند.^۱ یوسفخان و دیگر مزدوران همراه، او پس از آنکه زمینه برای تجاوز نیروهای روسی به حرم رضوی آماده شد، به نوشته سرپرسی سایکس، در تاریکی شب و تحت حمایت روس‌ها، از مهلکه گریختند.^۲ آنها از دروازه‌ای که روس‌ها در حصار شهر باز کرده و تحت مراقبت داشتند، به خارج از مشهد فرستاده شدند.^۳ به نوشته ادیب هروی، روس‌ها با تلفن مخصوصی که در اتاق یوسفخان داشتند، قبلاً به او تذکر داده بودند که چون بالاخیابان، پایین خیابان و بازار بزرگ در مسیر تهاجم نیروهای روسی است، آنها باید از بازار سنگ‌تراشان و از پشت بام و مسیر نوغان، فرار نمایند.^۴

بدین ترتیب یوسفخان به اتفاق محمد قوش‌آبادی و عده‌ای از تفنگچیان از مشهد فرار نموده^۵، در مسیر جاده گناباد پیشروی کردند و به شرارت، غارت و چپاول اموال مردم پرداختند. آنها در حدود پنجم جمادی الاول به حوالی گناباد رسیدند^۶ و مردم آن حوالی از شنیدن خبر شرارت‌های آنان وحشت زده شدند و عده‌ای از مردم و مأمورین حکومتی فراری کردند.^۷

مضمون تلگراف‌های مختلف، شاهد بر این مطلب است که در پی گزارشات کارگزاری قاین و گناباد، قشونی مرکب از نیروهای دولتی از مشهد و دیگر شهرهای خراسان برای مقابله و تعقیب اشرار به دستور خازن الملک اعزام شده‌اند.^۸ از طرف حکمرانی قاینات نیز قشونی به فرماندهی حاجی نصیرالسلطنه سرحدار و رئیس قشون قاینات برای مقابله با نیروهای اشرار به فرماندهی محمد یوسفخان هراتی و محمد قریش آبادی، اعزام گردیده است.^۹

مضمون تلگراف نمره ۶ دولتی از تهران به بیرجند، بیانگر آن است که اشرار پس از اعزام قشون دولتی از مشهد و دیگر شهرهای خراسان، به تدریج از این منطقه به حوالی نیشابور فراری شده‌اند.^{۱۰} چنان که تلگراف نمره ۳۱ از مشهد به بیرجند نیز مؤید آن است که به گزارش حکومت نیشابور، یوسفخان و متحدانش در حوالی اسحاق آباد نیشابور دیده شده‌اند.^{۱۱} در حالی که نایب‌الحکومه قاین نیز طی تلگرافی در همان

۱. مشروطه گیلان، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲. سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ص ۶۵۵ سایکس می‌نویسد: یوسفخان چند روز بعد از واقعه به او نامه نوشته و شکایت کرده است که هم‌قطارش پادشاه زحمت و خدمات او را نداده است. رک: همان، ص ۶۵۵.

۳. همان، ص ۶۵۵؛ حدیقه الرضویه، پی‌نوشت ۲۲۴.

۴. ادیب هروی، حدیقه الرضویه، ۱/۲۲۱؛ شمس‌الشموس، ص ۸۵؛ تاریخ روابط ایران، ص ۱۰۳.

۵. سند ش ۹۵۷۲/۳ (اداره اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی).

۶. سند ش ۴/۹۴۶۷؛ نمره ۲/۹۵۷۲/۱۸۴.

۷. سند ش ۷/۹۴۶۷ ۱۱/۹۴۶۷ ۹/۹۴۶۷.

۸. سند نمره ۲ (۷۸ جمادی الاولی ۱۳۳۰ ق).

۹. سند نمره ۱۱ (۱۳۳ جمادی الاولی ۱۳۳۰ ق).

۱۰. سند ش ۹۴۶۷/۱۶.

۱۱. سند ش ۹۴۶۷/۲۶.

تاریخ، از شرارت نیروهای وابسته به یوسفخان هراتی و محمد قوش‌آبادی در سرایان، خبر داده است.^۱ البته شاید نیروهای اشرار در این دو محدوده به جنگ‌افروزی و شرارت اشتغال داشته‌اند، چنان که در سوادنامهٔ نمرهٔ ۱۶۱ مورخ ۲۲ جمادی الاولی از بیرجند به خازن‌الملک آمده است که نیروهای یوسفخان، دوباره به سرایان مراجعت کرده‌اند.^۲

مضمون سوادنامه نمره ۱۳۲ از بیرجند به خازن‌الملک، حاکی از آن است که حاکم مزبور، به دلیل آشنایی با یوسفخان از نایب‌الحکومه مشهد تقاضای تأمین جانی برای مشارالیه نموده، ظاهراً مورد موافقت قرار نگرفته است.^۳

اشرار پس از جنگ و گریز فراوان، در مورخه ۲۰ جمادی الاولی به حوالی ترشیز فراری شده^۴ و قشون دولتی در تعقیب آنها بوده‌اند. ظاهراً در این زمان از حرکت به طرف ترشیز منصرف شده، در ۲۱ جمادی الاولی در دو فرسنگی چرمه اقامت موقت داشته‌اند^۵ و در ۲۲ جمادی الاولی به حوالی سرایان متواری شده‌اند.^۶

مواد تلگراف نمره ۶۴ اداره قشونی و سرحداری سیستان حکایت از آن دارد که در همین زمان قشونی از نیروهای دولتی قاینات برای مقابله با اشرار اعزام شده است.^۷ تعداد نیروهای اشرار در این زمان مطابق سواد نامه کارگزاری بیرجند، متجاوز از یکصد نفر بوده است که برای مقابله با آنان تقاضای یکصد و پنجاه سوار و پنجاه سرباز و یک عراده توپ شده است.^۸

مطابق نامه ارسالی از طبس به مشهد و نیز مراسله کارگزاری طبس در مورخه ۲۸ جمادی‌الاولی، قشونی مرکب از سوار و پیاده و توپ جنگی به فرماندهی عمادالملک برای مقابله با اشرار اعزام گردیده^۹ و نیروهای یوسفخان هراتی پس از آخرین مقاومت‌ها در ۲۹ جمادی‌الاولی در حوالی سرایان و گناباد دچار تفرقه شده و سیدحسین تربتی یکی از سران شورش و از متحدان یوسفخان در این زمان از او جدا شده، یوسفخان نیز درصدد عقب‌نشینی به حوالی جندق بوده است.^{۱۰}

سیدحسین تربتی در یکی از قلعه‌های طبس، توسط نیروهای عمادالملک محاصره می‌گردد.^{۱۱} در همین

۱. همان.

۲. سند نمره ۲۲ / (۱۶۱ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ ق.).

۳. سند نمره / ۱۱۶ (۱۳۲ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ ق.).

۴. سند ش ۹۴۶۷/۲۱.

۵. سند ش ۹۴۶۷/۲۳.

۶. سند نمره / ۱۶۱.

۷. سند ش ۹۴۶۷/۲۸.

۸. مراسله نمره / ۲۶ (۳۳ جمادی‌الاولی ۱۳۳۰ ق.).

۹. سند ش ۹۴۶۷/۳۴؛ سند نمره ۱۸۴.

۱۰. سند نمره ۲۰۰.

۱۱. سند ۹۴۶۷/۳۴.

اوان نیز ظاهراً اتحاد میان یوسفخان و محمد قوش‌آبادی از میان رفته، بین آنان جدایی می‌افتد.^۱ یوسفخان به اتفاق چند تن از تفنگچیان تا حوالی فریمان عقب‌نشینی نموده، در آنجا توسط سیداحمد علیشاه فرمانده سوارهای بربری، به عنوان یاغی دستگیر می‌شود؛ سپس به دستور نایب الایاله، تحت الحفظ روانه مشهد می‌گردد.^۲

اما به نوشته سایکس، در بین راه و به تحریک روس‌ها و به دلیل آنکه اسنادی در دست داشته،^۳ طی یک صحنه ساختگی و به بهانه آنکه قصد فرار داشته است، از پشت هدف گلوله قرار می‌گیرد و در روز جمعه ۷ جمادی‌الثانی، جنازه او را به مشهد می‌آورند و در میدان ارگ، برفراز تختی قرمز به منظور اطلاع مردم و عبرت خائنان، نعش او را به دار می‌کشند و سپس جنازه او را در شهر می‌گردانند.^۴ یوسفخان هراتی جمعاً ۲۱ سال در ایران زندگی کرد و اسرار خیانت‌ها و وابستگی‌های او و توطئه روسیه، با مرگ او مدفون گردید.

طالب الحق: برادر سیدعلی آقا یزدی مجتهد^۵، از طرفداران مشروطه مشروعه^۶ (۶۶) بود. او مدتی در یزد مفسده کرده و به تبریز فرار کرد؛ سپس از آنجا به عتبات رفت و در اسلامبول زندانی شد. از آنجا به تهران آمده، دستگیر شد و در استبداد صغیر، مردم را ضد حکومت مشروطیت دعوت می‌کرد. بعد از تجدید مشروطیت فرار کرد و به خراسان آمد^۷ و در جریان شورش که توسط یوسفخان بر پا شده بود، به حمایت انگلیس و به اتفاق او، به مخالفت با حکومت همراه شد.^۸ پس از بمباران حرم رضوی، همانند یوسفخان از راه مخفی به بیرون از حرم فرار کرد^۹ اما در ۲۱ ربیع‌الثانی پس از مرگ یوسفخان هراتی، گرفتار شد.^{۱۰} ادیب هروی به نقل از مرتضی قلیخان متولی می‌نویسد که طالب الحق و پسرش در ماجرای تهاجم به حرم رضوی، جزء اسراء بودند و در صحن نو نگهداری می‌شدند. هنگام بررسی اوضاع حرم، بعد از واقعه به توپ‌بستن و بمباران، توسط ژنرال ردکو مرخص شدند.^{۱۱} (۷۱) به قول رابینو آنان جزء اسراء به سربازخانه

۱. حدیقه‌الرضویه، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۲. همان.

۳. بهار، محمد تقی، (ملک الشعراء)، مختصر تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۶.

۴. حدیقه‌الرضویه، ص ۲۳۷ و ۲۳۸، به نقل از روزنامه طوس، مطبوعه مشهد، تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، ص ۴۱۱؛ محمد یوسف ریاضی، عین‌الوقایع، به کوشش محمد آصف فکرت، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات، دکتر محمد افشار یزدی، ۱۳۶۹، ص ۳.

۵. مختصر تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۶.

۶. زمینه‌های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹، ص ۱۸۸.

۷. مشروطه گیلان، ص ۱۲۲ و ۱۲۸.

۸. مختصر تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۶؛ حدیقه‌الرضویه، ج ۱، ص ۱۷۶؛ ریشه‌های یک تهاجم در خراسان، ص ۳۸۳.

۹. شمس‌الشموس، ۸۵.

۱۰. سندش، ۹۵۷۲/۲.

۱۱. حدیقه‌الرضویه، ۲۲۱/۱.

روس‌ها منتقل شدند و در آنجا محبوس بودند. با ورود نیرالدوله والی جدید به نظمیه تحویل داده شدند و سرانجام توسط روس‌ها به روسیه تبعید گردیده، یا گریختند.

طالب الحق به اتفاق زن و پسرش، از روسیه به بصره رفتند و به نوشته ملک‌الشعرای بهار از بصره به کربلا مهاجرت نموده، در آنجا به جرم جاسوسی، توسط حریبه عثمانی توقیف و در بغداد به امر محاکم نظامی، تیرباران شد.^۱

محمد قوش‌آبادی (نیشابوری): محمد قوش‌آبادی اهل قوش‌آباد واقع در یک فرسخی نیشابور^۲، فردی کم‌سواد بود که در دوره هرج و مرج و ناامنی مشروطیت به راهزنان پیوست و بنای طغیان و سرکشی را گذاشت. او با عده‌ای از همدستان خود در نبرد با سالارالدوله، حاکم بجنورد شرکت کرد؛ سپس در اطراف مشهد به شرارت پرداخت و مدت‌ها با مأمورین قشون دولتی در جنگ و گریز بود. در درگیری هفتم ربیع‌الاول ۱۳۳۰ با نیروهای دولتی، شبانه وارد مشهد شد^۳ و به نیروهای یوسفخان ملحق گردید.^۴ رابینو او را قطاع‌الطریق معرفی کرده که بعد از پیوستن به یوسفخان، همه روزه سیصد نفر تفنگچی را در میان صحن امام‌تعلیم جنگی می‌داده است.^۵

محمد قوش‌آبادی، همراه یوسفخان از مشهد فرار کرد^۶ و در جریان شرارت‌ها و تعقیب و گریز یوسفخان و دار و دسته‌اش، در اطراف گناباد و قاین با او همراه بوده است.^۷ در ۱۳ جمادی‌الاولی به اتفاق عده‌ای از همراهان و یوسفخان، حوالی نیشابور متواری شده^۸ و چون قشون دولتی در تعقیب او بوده‌اند، به حدود ترشیز عقب‌نشینی کرده^۹، از تاریخ ۲۱ جمادی‌الاولی به بعد، در اسناد مربوط به یوسفخان هراتی، نامی از او به میان نیامده است چون به قول ادیب‌هروی بین او و یوسفخان اختلاف و جدایی پیش آمده، از نیروهای یوسفخان که عازم چرمه و سپس به سرایان بوده‌اند^{۱۰}، جدا شده است. به استناد تلگراف نمره ۵۰ دولتی، در مورخه ۲۹ جمادی‌الاولی به اتفاق سه یا چهار نفر از همراهانش، در حوالی بیرجند دیده شده است^{۱۱}؛ سپس

۱. مختصر تاریخ احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۶۱؛ حدیقه الرضویه، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. حدیقه الرضویه، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۴. همان.

۵. در کتاب آبی آمده است که او به دلیل تصرف اموالش توسط رئیس پلیس، در اطراف گناباد به یاغی‌گری پرداخته بود. رک: کتاب آبی، ۹۶۷/۴ و ۹۸۰/۵.

۶. مشروطه گیلان، ص ۲۲۸.

۷. سند ش ۹۵۷۲/۲.

۸. سند ش ۹۴۶۷/۷ - ۹۴۶۷/۹.

۹. سند ش ۹۶۶۷/۱۱ - ۹۴۶۷/۱۶.

۱۰. سند ش ۹۴۶۷/۲۱.

۱۱. سند ش ۹۴۶۷/۲؛ سند نمره ۱۶۱، ۹۴۶۷/۴؛ ۹۴۶۷/۲۸.

۱۲. سند ش ۹۴۶۷/۱۳.

از حصار نیروهای دولتی خلاصی یافته و به حدود نیشابور متواری شده، به شرارت مبادرت داشته است تا آنکه سرانجام در ۱۳ عید نوروز ۱۳۳۲ ق، توسط عده‌ای از سادات و سواره‌های ایرانی تحت تعقیب قرار گرفته، دستگیر شده و در همین روز به دار مجازات آویخته شده است.^۱

سیدحسین تربتی: یکی دیگر از سران شورشی و از همراهان یوسفخان هراتی است که پس از فرار از مشهد تا ۲۹ جمادی الاولی در جنگ و گریزها، همراه یوسفخان بوده است. مطابق نامه کارگزاری بیرجند در این زمان از نیروهای یوسفخان جدا شده و مدتی در حوالی سرایان و گناباد به شرارت و چپاول مبادرت می‌نموده است.^۲ سرانجام در یکی از قلعه‌های طبس، توسط نیروهای عمادالملک محاصره می‌گردد.^۳

نایب علی اکبر خان: یکی از متحدان یوسفخان هراتی است که پس از فرار در خانه مشهدی عبدالله ترک، تبعه روس پناهنده می‌شود و از آن پس، از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست.^۴ دیگر سران و متحدان یوسفخان و طالب‌الحق در شورش مشهد مانند **هادی خان عراقی**، **کریم وکیل**، **محمد وکیل**، **نایب علی خان**، **شیخ اسماعیل** ترشیزی و بسیاری از تفنگچی‌های آنان از مشهد فرار کردند و دستگیر نشدند معلوم نگردیده است که چگونه فرار کرده و سرانجام آنان چه بوده است.^۵ از دیگر عوامل مؤثر در ماجرای به توپ بسته شدن حرم رضوی، **عبدالحمید خان** منشی دوم کنسولگری روس است که از عوامل فعال در این ماجرا بود و مقارن با از بین رفتن خاندان تزاری روس، به دست رضاخان، پسر صیدعلی خان درگزی به وضع فجیعی به قتل رسید.^۶

کنیاژ داییزا سرکنسول روس در مشهد بعد از این واقعه از خدمت در دولت روس کناره گرفته، به اتریش مسافرت کرد و در آنجا به زندان افتاد و پس از مدتی در زندان درگذشت.^۷ **ژنرال ردکو** فرمانده نظامی نیروهای روس در مشهد نیز در ۱۹۱۴ م (۱۲۹۳ ش) مأمور به اردبیل گردید و به اتفاق هفتاد نفر از سربازانش در محاصره شاهسون‌ها گرفتار شده، کشته شدند.^۸ نظامیان تزاری روسیه در ایران نیز به تدریج به روسیه احضار و به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. **نیکلای دوم** تزار روس به اتفاق خانواده‌اش در اواخر جنگ جهانی اول و پس از پیروزی انقلاب اکتبر روسیه، توسط بلشویک‌ها تیرباران شدند.^۹

۱. حدیقه الرضویه، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. سند نمره ۲۰۰ (مورخه ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۰).

۳. سند ش ۹۴۶۷/۳۴.

۴. مشروطه گیلان، ص ۱۴۵.

۵. حبل المتین، س ۱۹، ش ۴۲، ۴.

۶. شمس الشموس، ص ۸۹.

۷. حدیقه الرضویه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۸. همان.

۹. همان، ص ۲۴۵.

فهرست تصاویر اسناد

ردیف	عنوان سند	شماره	تاریخ	موضوع
۱	سوادنامه کارگزاری بیرجند به حکومت طبس	۷۸	۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۰ق	گزارش شرارت یوسفخان و محمد خان قوش آبادی
۲	سواد تلگراف واصله از شهر قاین		۳ برج ثور	گزارش ورود یوسفخان هراتی به حوالی گناباد
۳	نامه اداره تحدید قاینات به حکمران قاینات	۸۰	۵ جمادی الاولی	کسب تکلیف در مورد اداره شهر قاین در غیاب نایب الحکومه
۴	تلگراف از مشهد به بیرجند	۱۲ دولتی	۷ ج ۱	گزارش عزیمت یوسفخان و محمد قوش آبادی به گناباد و وحشت مردم
۵	تلگراف از مشهد به بیرجند	۲۱ دولتی	۷ ج ۱	دستور اعزام نیروهای کمکی برای مقابله با یوسفخان
۶	سوادنامه جوابیه به تلگراف بیرجند	۱۳۳	۱۱ ج ۱	در مورد حاجی نصیرالسلطنه سرحداری رئیس قشون قاینات
۷	تلگراف از طهران به بیرجند	۱۶ دولتی	۱۳ ج ۱	دستور تعاقب و دستگیری یوسفخان و محمد
۸	تلگراف از مشهد به بیرجند	۱۳ دولتی	۷ ج ۱	دستور اعزام قشون کمکی به گناباد
۹	سوادنامه - بیرجند	۱۳۲ دولتی	۱۶ ج ۱	وساطت حکمران بیرجند و تقاضای تأمین جانی برای یوسفخان
۱۰	تلگراف از مشهد به بیرجند	ح ۲۶	۲۰ ج ۱	اعلام وصول تلگراف و خبر حرکت محمد و یوسفخان به طرف ترشیز
۱۱	تلگراف از قاین به بیرجند	۸	۲۱ ج ۱	خبر ورود یوسفخان به حوالی چرمه
۱۲	سوادنامه ارسالی به مشهد از بیرجند	۱۶۱	۲۲ ج ۱	خبر عقب نشینی یوسفخان به حوالی سراپان
۱۳	سواد تلگراف ریاست قشون و سرحداری سیستان	۶۴	-	تقاضای نیرو و تجهیزات برای مقابله با اشرار
۱۴	تلگراف از مشهد به بیرجند	ح ۳۱	۲۳ ج ۱	گزارش توقف نیروهای یوسفخان و محمد در اسحاق آباد نیشابور

سرانجام مقصرین آستانه در واقعه به توپ بستن... / محمد رضا فصاییان

۱۵	سواد نامه بیرجند به مشهد	۱۶۸	۲۶ ج ۱	تقاضای نیروهای کمکی و تجهیزات برای مقابله با اشرا
۱۶	نامه اداره قشونی و سرحداری سیستان	۳۳	۲۶ ج ۱	کسب تکلیف در مورد نامه سرحداری سیستان برای مقابله با اشرا
۱۷	نامه از عمادالملک به حکمران قاینات	۱۸۴	۲۸ ج ۱	گزارش حاکم طبس در مورد اعزام نیرو به گناباد
۱۸	نامه از طبس به مشهد، خطاب به خازن الملک	-	-	تقاضای مخارج اردوی اعزامی به گناباد برای دستگیری یوسفخان هراتی
۱۹	سوادنامه از بیرجند به مشهد	۲۰۰	۲۹ ج ۱	گزارش خبر جدا شدن سیدحسن تربتی از یوسفخان و رفتن یوسفخان به جندق
۲۰	سواد تلگراف از مشهد به بیرجند	ح ۴۰	۶ جمادی الثانی ۱۳۳۰	تأکید بر دستگیری سیدحسن تربتی که در محاصره عمادالملک است.
۲۱	تلگراف از مشهد به بیرجند	۵۰ دولتی	۲۹ رجب ۱۳۳۰	فرار محمد قوش آبادی به حوالی بیرجند
۲۲	نامه از مشهد به بیرجند	-	۲۱ ربیع الثانی	شرح اوضاع مشهد در بعد از واقعه تهاجم به حرم رضوی

(مرجع اسناد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، اداره اسناد).

پی‌نوشت‌ها

۱۶ - آشوب آخرالزمان، اولیا بافقی، شیخ حسن، نسخه خطی، ۱۳۳۰، ۵.

۱۷ - تاریخ رجال ایران، ۳/۴۹۸؛ ریشه‌های یک تهاجم در خراسان، ۳۹۰.

۶۲ - تاریخ مختصر ایران، ۱۹۷.